

## یادداشت

## توازن در سیاست خارجی



ابوالفضل فاتح

کارشناس مسائل سیاسی

ایران، به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و ظرفیت های منحصر به فرد خود، صرف نظر از نوع حاکمیتش مورد طمع بوده و خواهد بود. روزی بحرین را با بی فکری و بی لیاقتی حاکمان رژیم گذشته از ایران ستاندند و متأسفانه، اینک تلاش دارند تا به تدریج موضوع جزایر سه گانه را به یک زخم حقوقی عمیق علیه تمامیت کشور عزیزمان مبدل سازند. علاوه، کوتاهی های طالبان در زمينه آب، طمع ورزی های آذربایجان در جنگ ارمنستان و ایجاد تنش در مرز ایران، موضوع مرزهای خزر و حتی حفظ نام خلیج فارس در افکار عمومی ایرانیان داخل و خارج محل چالش شده است. باید فکری کرد. توازن در سیاست خارجی می تواند کمک یاترمیم مناسبی باشد. اما، امید بستن به قدرت ها، امید واهی است. آنها اگر منافع شان اقتضا کند و بتوانند همه منطقه را تبدیل به «فلسطین» خواهند کرد. باید قوی و قوی تر شد. از این رواقدرار نظامی کشور و تلاش های صورت گرفته در استقلال دفاعی و یا نفوذ گفتمانی و منطقه ای کشور یک ضرورت است، اما همه می دانیم اقتدار، مفهومی صرفا نظامی نیست. همچنین، اگر در دهه هشتاد میلادی رقابت اصلی جهان، رقابت گفتمانی و دوران قدرت ایدئولوژی ها بود، اینک از آن دوران تا حد زیادی عبور شده و در این مرحله که ممکن است چند دهه نیز به طول انجامد، اقتصاد و توسعه علمی و اجتماعی نیز از اصلی ترین مولفه های قدرت است. امارات، جز قدرت اقتصادی و توازن در سیاست خارجی چه دارد؟ اگرچه موضوع تعریض اخیر، فقط منافع امارات نیست بلکه، هدف اصلی کنترل «تهران» است و امارات بهانه ای بیش نیست و با قو ل قدرت اقتصادی اش، چه بسا حامیان فرصت طلب امروز را از دست خواهد داد. متأسفانه درسیاست خارجی با قفار و تفریط ها و عشق و تنفرهای غیر علمی و فقر تحکیکی مواجه هستیم. برخی از سفر اکشورمان بیش از آنکه در جهت سیاست خارجی کشور عمل کرده باشند، در جهت توجیه عملکرد خود برآمده اند. از این روست که در نوبت قبلی که «خ ده روس» علنی شد، وزارت خارجه و سفارت ایران در روسیه و رسانه هایش از اعتراض به روسیه، در جهت توجیه و آرام کردن افکار عمومی ایران برآمدند. همین طور، همان که روزی از دیوار سفارت عربستان بالای فتنه در ریاض از تهدید بی می کردند، حالا هر روز منتظر فرصتی برای سفر به این کشورند. حال آنکه رابطه با عربستان مفید، اما رعایت حد و مرز و و رانت با این رقب منطقه ای ضروری است. نشست، و برخاست و روسیه و چین و دیگری کاری معقول، اما دلخوش کردن به نشست های خصوصی چند ساعته و غفلت از اهداف پنهان و راهبردهای کلان این قدرت ها در منطقه، ساده اندیشی است. همین طور نمی توان از برجام متنفر بود و چند سال علیه آن نوشت و بانیانیش را لعن و نفرین کرد، اما مذاکرات مبهم درباره وصول با واسطه و نامعلوم شش میلیارد حقوق ملت از کره جنوبی رایک افتخار دانست. حال آنکه می توان مستقیما با آمریکا نشست، اما از عداوت و نیرنگش غفلت نکرد. در این خصوص باید به حد اکثر توان و تجربه فکری کشور مراجعه کرد و از یک سو به تگری دست کشید. موضوع تمامیت ارضی، استقلال و عزت ملی، موضوعی بسیار مهم برای همه گروه ها و جریانات سیاسی ایران اعم از حاکمیت، منتقدان و بخش اعظم مخالفان است. باید باب های گفت و گو و همکاری ملی را گشود و از همه دیدگاه ها و ظرفیت ها و ارتباطات بهره برد، چون پای وطن در میان است. در عرصه داخلی نیز، انتخابات رقابتی، حاکمیت عقلانیت و نخکی در اقتصاد و توسعه اجتماعی مستمر و علمی و هوشمند، و نظارت و شفافیت همه جانبه، ایرانی مقتدر آفریده و آن را از طمع دیگران دور نگاه خواهد داشت. نمی توان از مهاجرت نخبگان چشم پوشید و در برابر فساد میلیاردری، یک عذرخواهی هم نکرد. دردهای کشور، درمان دشواری ندارد. راه حل، عقلانیت و وفادانیت و احساس مسئولیت و اصلاح و تحول مثبت است که بارها گفته شده و گویی چاره ای از تکرار نیست. کشوری که از ورزیدترین و هوشمندترین نسل ها برخوردار است، نباید در کرسی های، گرفتار مدیرانی نا کارآمد شود. همین روس ها و چینی ها و آمریکا و انگلیس و فرانسه و دیگر قدرت های امروز جهان که علیه ایران تیرنگ می کنند، مراکز استراتژیک و سطوح عالی مدیریتی و کارشناسی خود را به مغزهای درجه اول خود سپرده اند. امیرکبیرهای امروز ایران کجا هستند؟ لحظه ای با خود خلوت کنید. کدام یک از شما در انتصاب همکاران، وفاداری به ایران را به وفاداری به خود ترجیح داده اید؟ به ایران، به مردم، به شهیدان مظلوم و به شعارهایی داده اید، وفادار باشید و با تمکین به توسعه متوازن و همه جانبه ایران و با اتکاء به مردم و ایرانی پیشرفته، زمینه مکر قدرت های دور دست و همسایگان نامطمئن شمالی و جنوبی علیه تمامیت این سرزمین «پر گهر» را از بین ببرید.

ناصر ابراهیمی در گفت وگو با «آرمان ملی»:

## تغییر گل محمدی به هیچ وجه صحیح نیست



بازی های لیگ تنهادر حاشیه و جنجال حرف برای گفتن دارد



تاج چه کاری برای فوتبال ایران کرده که باید از او به نیکی یاد کرد؟

دربی که پرسپولیس و استقلال

در هفته گذشته برگزار کردند یکی از

بدترین و بی محتواترین دربی های

تاریخ فوتبال ایران بود که از نظر فنی

هیچ چیزی نداشت و تنها حاشیه و

جنجال پیرامون این بازی وجود داشت.

کار به جایی رسیده که مردم که ما را در

خیابان می بینند عنوان می کنند چرا

کیفیت فوتبال ایران تا به این اندازه افت

کرده که دو تیم بزرگ ایران چنین بازی

بی کیفیتی را از خود نشان می دهند

خبر، چنین چیزی نیست و گل محمدی از نظر فنی مربی خوبی است همچنان با برنامه است. این بازیکنان تیم پرسپولیس هستند که تغییر کرده اند و باید خود را با برنامه های سرمربی تیم هماهنگ شوند. نکته دیگری که در این زمینه وجود دارد این است که سن برخی بازیکنان کلیدی پرسپولیس بالاست. اغلب بازیکنان پرسپولیس در جوانی در تیم های خارجی بازی کرده اند و امروز که سنشان بالا رفته دوباره به پرسپولیس باگشته اند. به همین دلیل میانگین سنی بازیکنان پرسپولیس بالا رفته است. مربیان امروزی جرأت ندارند یک بازیکن جوان را از دست یک به تیم خود بیاورند. این در حالی است که بازی کردن زمانی جوان بودند که فوتبالیست شدند. ما بسیاری از بازیکنان را از لیگ های پایین تر و با تجربه های دیگر به پرسپولیس می آوریم. نمونه آنها رضا اسدی بود که لیگ دسته سه به پرسپولیس آوردیم و سال ها برای پرسپولیس بازی کرد. این در حالی است که مربیان لیگ برتر از میدان دادن به بازیکنان جوان هراس دارند. امروز ما بازیکنانی در سطح ملی داریم که با تلاش خود به باشگاه های اروپایی رسیده اند. این در حالی است که در لیگ برتر کشور به دلیل مشکلاتی که وجود دارد نتوانسته ایم بازیکنان طراز اول بسازیم که بتوانند به تیم ملی کمک کند. خط دفاعی پرسپولیس در سالی که گذشت ضعیف ترین عملکرد خود را نشان داد. این در حالی است که در سال های گذشته خط دفاعی پرسپولیس یکی از نقاط قوت این تیم به شمار می رفت. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که مربیان در زمینه استعدادیابی موفق عمل نکرده و به دنبال پیدا کردن استعداد های دیگری نبودند. بنده به خاطر دارم هنگامی که ما کربمی را برای پرسپولیس انتخاب کردیم وی اصلا در لیگ بازی نمی کرد و بلکه ما وی را از لیگ های پایین تر انتخاب کردیم. بازیکنان بزرگ دیگری مانند شاهرخ بیانی، پنبجلی و رزینجه نیز همین وضعیت داشتند و از سطوح پایین کار خود را آغاز کردند و در نهایت به باشگاه های بزرگ و تیم ملی رسیدند. به همین دلیل من متقدم مربیان در زمینه پایه و استعدادیابی عملکرد خوبی نداشته اند.

کیفیت لیگ امسال نسبت به گذشته در چه شرایطی قرار دارد؟

واقعیت این است که کیفیت لیگ به جای اینکه افزایش پیدا کند همواره در حال کاهش است و امسال بازی های را مشاهده می کنیم که از نظر فنی هیچ حرفی برای گفتن ندارد و تنها حاشیه و جنجال است. متأسفانه بازی های خوبی را از تیم ها شاهد نیستیم و کیفیت مسابقات بسیار پایین است. نحوه برگزاری مسابقات هم باعث شده تا مربیان نتوانند برنامه ریزی مدونی داشته باشند و همین موضوع هم باعث شده تا کیفیت لیگ برتر از گذشته هم پایین تر باشد. مشخص نیست مهدی تاج به عنوان رئیس فدراسیون و دوستان او چه فعالیتی در این زمینه انجام داده اند. تاج از زمان کفاشیان و در فدراسیون فوتبال بوده و سوال من این است که او چه کار مفیدی برای فوتبال ایران انجام داده است که بعدا باید از او به نیکی یاد کرد؟

آرمان ملی - احسان انصاری: افت کیفیت فنی تیم پرسپولیس در این فصل و عدم نتیجه گیری باعث شده موضوع تغییر سرمربی مدافع عنوان قهرمانی مطرح شود. این در حالی است که نام برانکو ایوانکوویچ همواره در کنار حواشی تیم پرسپولیس مطرح می شود. «آرمان ملی» برای بررسی دلایل افت کیفیت تیم پرسپولیس و احتمال تغییر سرمربی این تیم با ناصر ابراهیمی، مربی سابق تیم ملی و پرسپولیس گفت وگو کرده است. ابراهیمی معتقد است: «تغییر گل محمدی به هیچ عنوان صحیح نیست. چرا وقتی یک تیم نتیجه نمی گیرد همه کادر فنی را مقصر می دانند. این در حالی است که مدیریت باشگاه و بازیکنان در عدم نتیجه گیری پرسپولیس در این فصل نقش مهمی داشته اند. در ابتدا باید همه جوانب و دلایل ناکامی یک تیم را در نظر گرفت سپس به سراغ کادر فنی رفت. در شرایط کنونی عنوان می شود که مهاجم ندارد و نسبت به مدیران و مربی تیم انتقاد می کنند که چرا مهاجم جذب نمی کنند. این در حالی است که باید پرسید پول خرید مهاجم قرار است از چه طریقی تأمین شود؟ آیا اصلاً باشگاه پرسپولیس از چنین توانایی برخوردار است که بتواند یک مهاجم خوب خارجی جذب کند؟ هنگامی که تیم هم شکست می خورد همه چیز را گردن مربی می اندازند. سوال این است که مگر مربی در زمین بازی می کند که وقتی شکست می خورد باید مربی را مقصر دانست؟». در ادامه ما حاصل این گفت وگو را می خوانید.

در شرایط کنونی موضوع تغییر آقای گل محمدی از سرمربی گری پرسپولیس مطرح شده است. به چه میزان این تغییر را صحیح می دانید؟

تغییر گل محمدی به هیچ عنوان صحیح نیست. چرا وقتی یک تیم نتیجه نمی گیرد همه کادر فنی را مقصر می دانند. این در حالی است که مدیریت باشگاه و بازیکنان در عدم نتیجه گیری پرسپولیس در این فصل نقش مهمی داشته اند. در ابتدا باید همه جوانب و دلایل ناکامی یک تیم را در نظر گرفت سپس به سراغ کادر فنی رفت. در شرایط کنونی عنوان می شود که پرسپولیس مهاجم ندارد و نسبت به مدیران و مربی تیم انتقاد می کنند که چرا مهاجم جذب نمی کنند. این در حالی است که باید پرسید پول خرید مهاجم قرار است از چه طریقی تأمین شود؟ آیا اصلاً باشگاه پرسپولیس از چنین توانایی برخوردار است که بتواند یک مهاجم خوب خارجی جذب کند؟ هنگامی که تیم هم شکست می خورد همه چیز را گردن مربی می اندازند. سوال این است که مگر مربی در زمین بازی می کند که وقتی شکست می خورد باید مربی را مقصر دانست؟ گل محمدی بارها عنوان کرده که نیاز به یک مهاجم درجه یک و تمام کننده دارد. بدون تردید اگر چنین ابزارهایی در اختیار وی قرار داشت تیم در چنین وضعیتی قرار نمی گرفت.

نام برانکو برای سرمربی گری تیم پرسپولیس مطرح است. در این زمینه نظر شما چیست؟

مطرح کردن چنین مسائلی در مقطع کنونی هیچ مشکلی را حل نمی کند بلکه باعث به هم ریختن تمرکز کادر فنی تیم می شود. اگر هم قرار است تغییری صورت بگیرد باید در پایان فصل صورت بگیرد و در شرایطی که هنوز نیم فصل نیز به پایان نرسیده است. بیست سال پیش هنگامی که آقای قلعه نویی به عنوان سرمربی استقلال معرفی شد همان روز اول عنوان کرد برای سه سال از تیم استقلال انتظار قهرمانی نداشته باشید. وی در طول این سه سال روی تیم کار کرد که در نهایت در سال چهارم استقلال به مقام قهرمانی دست پیدا کرد. فرض بگیریم امسال پرسپولیس قهرمان نشود و تیم دیگری به قهرمانی برسد. آیا اتفاق خاصی رخ می دهد؟ مگر قرار است همیشه پرسپولیس قهرمان لیگ برتر شود؟ همه تیم ها در مقابل پرسپولیس و استقلال با انگیزه بازی می کنند و همین کار را برای این دو تیم سخت می کند.

برخی عنوان می کنند گل محمدی هر چه از نظر فنی داشته در پرسپولیس انجام داده و چیز دیگری ندارد. آیا این موضوع را قبول دارید؟

باید همه جوانب و دلایل ناکامی یک تیم را در نظر گرفت سپس به سراغ کادر فنی رفت. در شرایط کنونی عنوان می شود که پرسپولیس مهاجم ندارد و نسبت به مدیران و مربی تیم انتقاد می کنند که چرا مهاجم جذب نمی کنند. این در حالی است که باید پرسید پول خرید مهاجم قرار است از چه طریقی تأمین شود؟ آیا اصلاً باشگاه پرسپولیس از چنین توانایی برخوردار است که بتواند یک مهاجم خوب خارجی جذب کند؟ هنگامی که تیم هم شکست می خورد همه چیز را گردن مربی می اندازند. سوال این است که مگر مربی در زمینه بازی می کند که وقتی شکست می خورد باید مربی را مقصر دانست؟ گل محمدی بارها عنوان کرده که نیاز به یک مهاجم درجه یک و تمام کننده دارد. بدون تردید اگر چنین ابزارهایی در اختیار وی قرار داشت تیم در چنین وضعیتی قرار نمی گرفت

مهم ترین دلایل افت پرسپولیس را در این فصل چه می دانید؟

در این زمینه باید به عملکرد مدیریت باشگاه توجه کرد که در دوران مدیریت خود چه شیوه ای را در دستور کار قرار داده است. به هر حال ضعف های مشهودی در مدیریت باشگاه پرسپولیس مشاهده می شود که در نتایج هفته های اخیر این تیم تأثیرگذار بوده است. از سوی دیگر بازیکنانی که به پرسپولیس آمده اند با بازیکنان بیست سال پیش متفاوت هستند و مانند ستاره های بزرگ پرسپولیس و تیم ملی کیفیت لازم را از خود نشان نمی دهند. نکته مهمی که امسال در باشگاه پرسپولیس مشهود بوده کمبود بازیکن است که در طول فصل به شکل های مختلف خود را نشان داده و در عتدم نتیجه گیری این تیم نقش داشته است. این وضعیت نیز به عملکرد مدیریت باشگاه باز می گردد و نه کادر فنی. اگر مدیریت باشگاه بازیکنان مورد نظر داخلی و خارجی مورد نظر کادر فنی را جذب می کرد و سپس تیم نتیجه نمی گرفت باید عنوان می کردیم اشکال از کادر فنی است. این در حالی است که چنین وضعیتی وجود ندارد و مدیریت باشگاه بازیکنان مورد نظر کادر فنی را جذب نکرد. دربی که پرسپولیس و استقلال برگزار کردند یکی از بدترین و بی محتواترین دربی های تاریخ فوتبال ایران بود که از نظر فنی هیچ چیزی نداشت و تنها حاشیه و جنجال پیرامون این بازی وجود داشت. کار به جایی رسیده که مردم که ما را در خیابان می بینند عنوان می کنند چرا کیفیت فوتبال ایران تا به این اندازه افت کرده که دو تیم بزرگ ایران چنین بازی بی کیفیتی را از خود نشان می دهند.

دلیل افت فوتبال ایران را چه می دانید؟

فوتبال ایران مانند گذشته بازیکن ساز نیست. در گذشته مادر لیگ های دسته پایین تر و یا در محلات بازیکنانی را پیدا می کردیم که سال ها برای تیم ملی بازی می کردند. این در حالی است که در شرایط کنونی این دلال ها هستند که برای تیم ها بازیکن انتخاب می کنند و به همین دلیل فوتبال کشور به این وضعیت افتاده است. امروز اگر به ترکیب تیم های پرسپولیس و استقلال توجه کنیم به این نتیجه می رسیم که حتی یک بازیکن تهرانی نیز در این دو تیم بازی نمی کنند و همه با شهروستانی هستند و یا خارجی. سوال من این است که آیا در تهرانی که ۱۴ میلیون جمعیت دارد یک بازیکن وجود ندارد که بتواند برای این دو تیم بازی کند؟ این وضعیت نشان می دهد که استعدادیابی کنار گذاشته شده و بسیاری به دنبال این هستند که با تأسیس مدرسه فوتبال کاسی کنند و از این طریق پول در بیاورند و یا با دلالی از فوتبال کشور به سود خود استفاده کنند.

## نگره

عبدالرضا فرجی راد:

### به دیپلماسی قوی تری در قبال تحولات دریای سرخ نیاز داریم

معمای حضور آمریکا در دریای سرخ

وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) چندی پیش، از حضور بیش از ۲۰ کشور در ائتلاف بین المللی به رهبری این کشور برای مقابله با حملات موشکی و پهپادی ارتش یمن، به کشتی های تجاری در دریای سرخ خبر داد. به گفته پنتاگون، ممکن است کشورهای دیگری نیز به این ائتلاف بپیوندند. در این ائتلاف که «عملیات نگهبان رفا» نام گرفته، کشورهایی از جمله کانادا، بریتانیا، فرانسه، هلند، ایتالیا، بحرین و امارات متحده عربی حضور دارند. انتظار می رود برخی از کشور ها در گشت زنی مشترک مشارکت کنند و برخی دیگر پشتیبانی اطلاعاتی را در جنوب دریای سرخ و خلیج عدن انجام دهند. مصر و عربستان دو کشور مهم منطقه محسوب می شوند که حاضر به شرکت در این ائتلاف نشده اند. پس از شکل گیری درگیری در غزه و عملیات اسرائیل علیه حماس در این منطقه، یمن اعلام کرد که برای همبستگی با حماس به کشتی هایی که هرگونه ارتباطی با اسرائیل داشته باشند، حمله خواهد کرد. پاتریک رابدر سخنگوی پنتاگون در بیانیه ای اعلام کرد: «نیروهای ائتلاف به عنوان یک گشت بزرگراهی در منطقه دریای سرخ و خلیج عدن به گشت زنی خواهند پرداخت تا به درخواست کمک کشتی های تجاری عکس العمل نشان داده و در صورت لزوم برای کمک به آن ها اقدام کنند». جوزپ بورل، رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا روز چهارشنبه ۲۹ آذر در شبکه اجتماعی ایکس، اعلام کرد که این اتحادیه با آمریکا برای مقابله با تهدیدات حوثی ها در دریای سرخ همکاری خواهد کرد. روزنامه آمریکایی «وال استریت ژورنال» نیز به نقل از چندین مقام امنیتی غربی و منطقه ای مدعی همکاری ایران با یمن در هدف قرار دادن کشتی ها در دریای سرخ شد. در ادامه این ادعاها آمده است که اطلاعات جمع آوری شده توسط یک شناور تجسوسی در دریای سرخ که در کنترل ایران است، به یمن منتقل می شود و آن ها اخبار از این در داده ها برای حمله به کشتی های تجاری در تنگه باب المندب استفاده کرده اند. با وجود ادعاها و تهدیداتی که ایالات متحده برای تسلط بر دریایی سرخ مطرح کرده است، مقام های یمنی اعلام کرده اند که یمن آماده است چشم از چشم ائتلاف آمریکاتوری جدید دوخته و با قدرت های بزرگ جهان مقابله کند. این یعنی بهتر است دنیا خود را آماده یک اتفاق بزرگ دیگر کند؛ چرا که یمنی ها با غرق کردن ناو هوایی ما بر آمریکایی ممکن است یک ۱۱ سپتامبر جدید خلق کنند.

اهمیت دریای سرخ و کانال سوئز برای کشورهای مختلف

یک تحلیلگر مسائل بین الملل اظهار داشت: دریای سرخ، باب المندب و کانال سوئز، به لحاظ تجارت بین المللی حائز اهمیت بسزایی است. بخشی از کالاهای دنیا که به سمت غرب می رود یا از شرق به غرب می رسد از همین منطقه در حال تجارت است؛ بنابراین شرایط موجود در دریای سرخ همه را تحت تأثیر قرار می دهد. نه تنها چینی ها، بلکه دیگر کشورها از جمله روسیه نیز درگیر شرایط دریای سرخ می شوند؛ بنابراین هیچکس تمایلی ندارد که شرایط این منطقه خطرناک شود و با طولانی شدن مسیر تجاری، از دماغه امید نیک از جنوب آفریقا هزینه ها و تورم بالا برود. عبدالرضا فرجی راد گفت: به ویژه با توجه به اینکه در غرب، اروپا و آمریکا مدام در شرایط رای دی و و انتخابات تحت تأثیر تورم قرار می گیرد و اگر قرار باشد وضعیت تجارت در دریای سرخ ملتهب باشد تا حدودی روی تورم کشورهای مختلف و حتی نتایج انتخابات آن ها نیز تأثیرگذار است. همه این موارد باعث می شود که شرایط این منطقه برای بسیاری از سران کشورها، حساسیت برانگیز باشد. وی افزود: در منطقه خلیج فارس، به غیر از عمان و قطر، سایر کشورها به انواع مختلف دشمن یمن هستند. بحرین، امارات و کویت از کشورهایی هستند که در ائتلاف آمریکا مشارکت دارند. اما مسأله یمن چیست؟ یمن در حمایت از حماس و مردم و اعلام کرده اند که باید مواد غذایی به مقادیر بیشتری وارد غزه شود و آتش بس اعلام شود که تعداد کمتری از فلسطینی ها کشته شوند؛ بنابراین از یکسو، آنها خواسته ای دارند که به عنوان مردمانی مسلمان، خواسته ای حقیقی محسوب می شود. اسرائیل به معنای واقعی کلمه همه خطوط قرمز را رد کرده است و جنایت جنگی انجام می دهد. از طرف دیگر، دولت آمریکا به خاطر انتخابات و شرایط داخل کشور، موظف است خود را حامی اسرائیل نشان دهد، بنابراین حاضر نیست در این وضعیت، آتش بس اعلام شود. زیرا اگر، آتش بس اعلام شود، به معنای شکست کامل اسرائیل و تعویض دولت خواهد بود. به همین دلیل می بینیم که دو جبهه در باب المندب مقابل یکدیگر قرار گرفته اند.

این استاد ژئوپلیتیک بیان کرد: آمریکا تمایلی ندارد این وضعیت به یک جنگ بزرگ یا بلند مدت تبدیل شود، چراکه می داند اگر وارد درگیری زمینی یا هوایی مستمر شود، به راحتی تمام نمی شود. همان طور که در غزه این اتفاق رخ نداد. یمن وسعت بیشتری نسبت به غزه دارد و اگر در منطقه باب المندب درگیری شود، مین های دریایی گذاشته می شود و کشتی ها در خطر بیشتری قرار می گیرند. به نظر می رسد ایالات متحده یک رفتار دوگانه را در پیش گرفته است. یک روز تهدید می کند تا یمن عقب بنشیند و یک روز نیز اعلام می کند ما فقط گشت زنی داریم و بر اساس این گشت زنی اگر کشتی ها مورد حمله قرار بگیرند یا کمک بخواهند، به کمک آن ها می شتاییم؛ بنابراین هنوز مشخص نیست که در این منطقه قرار است چه اتفاقی رخ دهد.

لزوم افزایش دیپلماسی ایران در قبال تحولات دریای سرخ

سفر ایران در نروژ و فنلاند تصریح کرد: من معتقدم که دیپلماسی ایران باید در این موضوع فعال تر شود یعنی نشان دهد که در حال انجام تحرکاتی برای آتش بس است. مثلاً چقدر خوب بود اگر یکی از مقام های سیاست خارجی ما به عمان سفر می کرد و با یمنی ها و عمانی ها گفت وگو می کرد. حتی برای اینکه تأکید شود ما موافق درگیری نیستیم، بهتر بود سفری به صنعاً نیز انجام می شد. این شرایط موازی می شد با مذاکرات حماس و اسرائیل با واسطه قطر و شاید نتیجه ای مثبت در حوزه صلح منطقه ای به دنبال داشت.